

اثرات تمرکززدایی مالی و کنترل فساد بر رشد اقتصادی (تجربه کشورهای نفتی منطقه)

[DOR:20.1001.1.00398969.1399.55.3.8.3](https://doi.org/10.1001.1.00398969.1399.55.3.8.3)

وحید شقاقی شهری^۱

استادیار گروه اقتصاد اسلامی، دانشگاه خوارزمی، vahidshaghghi@yahoo.com

نوع مقاله: علمی پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۵

چکیده

درحالی که مطالعات موجود به طور عمده به بررسی رابطه بین تمرکززدایی و فساد، رشد و تمرکززدایی یا فساد و رشد اقتصادی می پردازند، اندک مطالعاتی به تبیین ارتباط بین این سه مؤلفه پرداخته اند. مقاله حاضر با هدف بررسی ارتباط تئوریک و تجربی تمرکززدایی مالی، کنترل فساد و رشد اقتصادی، از روش داده های تابلویی برای کشورهای بزرگ صادرکننده نفت طی دوره زمانی ۲۰۱۷-۱۹۹۸ بهره گرفته است. بیشتر کشورهای نفتی به دلیل تک محصولی بودن و وابستگی به درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام دارای ساختاری متمرکز و تمرکزگرا بوده و حجم فساد مالی بالایی دارند.

نتایج به دست آمده برای کشورهای منتخب صادرکننده نفت نشان می دهد که اولاً، بهبود یک واحدی شاخص کنترل فساد در الگوهای مختلف برآوردی به طور متوسط به ترتیب ۰/۷۴، ۰/۵۳، ۰/۶۲ درصد رشد اقتصادی آنها را افزایش داده است. ثانیاً، با انجام تمرکززدایی هزینه ای، درآمدی و مالی، رشد اقتصادی این کشورها به ترتیب ۰/۴۳، ۰/۱۳ و ۰/۱۸ درصد افزایش خواهد یافت. در نهایت، اثرات منفی فساد مالی بر رشد اقتصادی با اعمال تمرکززدایی کاهنده بوده، به طوری که ضریب برآوردی در دو مدل رشد مثبت و معادل ۰/۱۹ و ۰/۱۶ درصد داشته است.

طبقه بندی JEL: H72, H77, D73, O40

واژه های کلیدی: تمرکززدایی مالی، کنترل فساد، رشد اقتصادی، کشورهای نفتی،

اقتصادسنجی پانل

۱- مقدمه

در حال حاضر اجماع کلی در میان اقتصاددانان و سیاست‌گذاران به وجود آمده که وجود دولتی پاک و به دور از فساد به عنوان یکی از مهم‌ترین راهبردهای حکمرانی خوب برای رشد و توسعه اقتصادی امری ضروری و قطعی است (بانک جهانی، ۱۹۹۷). از جمله اقدامات کنترل فساد، اصلاح ساختار مالی دولت و حمایت از تمرکززدایی نظیر واگذاری اختیارات مالی به دولت‌های محلی، افزایش رقابت، کاهش سیستم بوروکراسی و شفافیت به خصوص در کشورهای در حال توسعه می‌باشد (جین^۱، ۲۰۰۱ - مارتینز و وازکوئز و مک ناب^۲ ۲۰۰۳ - رز و آکرمان^۳ ۱۹۹۷ - شلفیر و ویشنی^۴ ۱۹۹۳). کشورهایی که دارای ساختاری وابسته به صادرات تک‌محصولی نظیر نفت خام هستند، به طور عمده از تمرکزگرایی در منابع و تمرکز و انحصار قدرت در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی رنج می‌برند و حاصل ساختار متمرکز موجبات گسترش رانت و فساد را در پی داشته و در نهایت مانعی جدی بر سر راه رشد اقتصادی این کشورها بوده است.

سازماندهی مقاله حاضر برای پاسخ به سئوالات: (۱): کنترل فساد مالی به چه میزان رشد اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت را تحت تأثیر قرار خواهد داد؟ (۲): تمرکززدایی چگونه و در چه حدی روی رشد اقتصادی اثرگذار است؟ (۳): اثرات فساد مالی بر رشد اقتصادی با اعمال تمرکززدایی چگونه و چه میزان خواهد بود؟، بدین صورت است که ابتدا مفهوم فساد و تمرکززدایی تبیین و در ادامه با تبیین مبانی نظری بین سه مبحث تمرکززدایی مالی، فساد و رشد اقتصادی و مروری بر مطالعات تجربی بین این سه مقوله، تلاش خواهد شد با بهره‌گیری از الگوهای اقتصادسنجی پانل (بین کشوری)، ارتباط بین تمرکززدایی و کنترل فساد با رشد اقتصادی برای کشورهای بزرگ صادرکننده نفت مورد آزمون تجربی قرار گیرد. در پایان نیز جمع‌بندی و پیشنهادهای سیاستی ارائه خواهد شد.

۲- مفهوم فساد مالی و تمرکززدایی

فساد مالی عارضه‌ای است که اغلب از کنش متقابل دولت و اقتصاد بازار سرچشمه می‌گیرد. بیشتر پژوهشگران، فساد مالی را به عنوان یک رابطه خاص حکومت- جامعه

-
1. Jain
 2. Martinez-Vazquez and McNab
 3. Rose and Ackerman
 4. Shleifer and Vishny

تعریف می‌کنند (رهبر و دیگران، ص ۸). فساد مالی به‌طور متعارف، رفتار منفعت‌طلبانه شخصی است که به‌عنوان یک مامور یا مقام دولتی عمل می‌کند. همچنین تعریف کارکردی فساد مالی که توسط بانک جهانی، سازمان بین‌المللی شفافیت مالی و مراجع دیگر ارایه شده، عبارت از سوءاستفاده از قدرت عمومی برای کسب منافع خصوصی است (بانک جهانی، ۲۰۰۴). تعریف دیگری که توسط برخی پژوهشگران ارایه شده بیان می‌دارد که فساد مالی، معامله‌ای بین بازیگران بخش خصوصی و دولتی است که با استفاده از آن، کالاهای عمومی به‌طور نامشروع به سودها و منافع خصوصی تبدیل می‌شوند (هاشمی قادی، ۱۳۹۰، ص ۱۱-۱۰).

با تعریف اجمالی از مفهوم فساد مالی، اینک تمرکززدایی و منافع و هزینه‌های آن تبیین خواهد شد^۱ دو ایده و برداشت مربوط به هم، ولی جدا از هم در مورد تمرکززدایی را باید در نظر داشت: الف) فرایندی است بین لایه‌ها و سطوح مختلف دولت (مرکزی- محلی و استانی) و ب) مقررات‌زدایی به معنای تمرکززدایی از دولت به بازار و ایجاد اصلاحات در بخش عمومی.

۲-۱- برداشت اول: تمرکززدایی به‌عنوان یک فرایند درونی دولت

اگر تمرکززدایی به‌صورت یک فرایند در داخل لایه‌های مختلف دولت در نظر گرفته شود، آنگاه می‌توان گفت که تمرکززدایی از طریق انتقال قدرت به سطوح پایین‌تر دولت در جهت کاهش قدرت انحصاری و قبضه دولت مرکزی می‌تواند به‌عنوان ابزار کارآمدی برای افزایش کارایی بخش عمومی عمل کند و بر اقتصاد ملی موثر واقع شود. به‌طور کلی تمرکززدایی «انتقال یا تفویض اختیارات در زمینه‌های برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و یا مدیریت از سوی مقامات دولت مرکزی به مقامات محلی است»^۲.

در اینجا تمرکززدایی مالی در چارچوب نظریه‌های مالیه عمومی و انتخاب عمومی با موضوعات تقسیم اختیار در حوزه برنامه‌ریزی و بودجه (تصمیم‌گیری مخارج و درآمد)، اجرای برنامه در لایه‌های پایین‌تر (منطقه، استان و محل، سازمان و نهاد ملی) و همچنین نحوه پاسخگویی همراه است.

۱. محمودی، وحید (۱۳۸۶)

2. Rondnelli, D.

۲-۲- برداشت دوم: تمرکززدایی به مثابه مقررات‌زدایی و انتقال مسئولیت از

دولت به بازار

به این نوع برداشت، تمرکززدایی اقتصادی نیز گفته می‌شود و به معنای انتقال وظایف از دولت به بخش خصوصی است. به عبارت دیگر می‌توان گفت که این نوع تمرکززدایی در حقیقت همان خصوصی‌سازی و مقررات‌زدایی است که در حوزه اقتصاد آنها را از بحث مالی تفکیک کرده‌اند. به بیان دیگر، حرکت به سمت رقابت‌پذیری اقتصادی و پذیرش قاعده بازی با محوریت نظام بازار، مبنای اجرایی کردن این سیاست است.

۲-۳- منافع و هزینه‌های تمرکززدایی

با توجه به مطالعات انجام شده نظیر لاین^۱، فوکوساکو و ملو^۲، تمرکززدایی دارای منافع و هزینه‌هایی است. افزایش کارایی (دولت‌های محلی با توجه به نزدیکی به مردم هر منطقه، نسبت به دولت مرکزی بهتر می‌توانند سلاقی و خواسته‌های مصرف‌کنندگان را تشخیص داده و منابع عمومی را به صورت کارا تر تخصیص دهند^۳)، کاهش عدم کارایی x (تمرکززدایی از عرضه بیش از حد کالاها و خدمات عمومی جلوگیری کرده و به کاهش «ناکارایی x » در بخش عمومی می‌انجامد^۴)، افزایش بهره‌وری، کاهش هزینه‌ها از طریق کاهش سلسله مراتب بوروکراتیک و بالاخره کاهش رشوه و فساد مالی از منافع تمرکززدایی به‌شمار می‌روند.

۲-۳-۱- هزینه‌های تمرکززدایی

در کنار منافع ناشی از تمرکززدایی، اجرای سیاست‌های تمرکززدایی هزینه‌هایی را نیز به دنبال دارد. طبق نتایج مطالعات انجام گرفته، افزایش شکاف درآمدی، به خطر افتادن ثبات کلان اقتصادی، شکست بازار و ضعف کارایی تخصیص و محدودیت نیروی انسانی از پیامدهای منفی تمرکززدایی به‌شمار می‌رود، لذا همان‌طور که عنوان شد تمرکززدایی و اعمال سیاست‌های مربوط به آن دربردارنده منافع و هزینه‌هایی می‌باشد که برای تصمیم‌گیری نهایی لازم است تا تحلیل هزینه - فایده از آن صورت گیرد و

-
1. Linn
 2. Fukasaku & Mlo
 3. Martinez-Vazquez.J.and R.M.McNab
 4. Brennan,G.and J., Buchanan

می‌توان گفت که تمرکززدایی در صورتی مناسب است که سبب افزایش رفاه و تسریع رشد اقتصادی شود.

۳- مبانی نظری «تمرکززدایی، فساد و رشد اقتصادی»

برای تبیین مبانی نظری فساد در مدل‌های رشد اقتصادی از مدل معرفی شده توسط منکیو، رومر و ویل^۱ (۱۹۹۲) استفاده شده است. محققان با گنجاندن سرمایه انسانی در تابع تولید، قدرت تبیین مدل سنتی رشد سولو را به میزان قابل توجهی بهبود داده و با وارد کردن متغیر فساد به عنوان یک عامل تعیین‌کننده هزینه‌های دولت، مدل سولو را گسترش و تعمیم داده‌اند. فرم تبعی مدل ساختاری تولید به کار گرفته شده به شکل تابع کاب - داگلاس و به صورت رابطه (۱) می‌باشد:

$$Y_t = K_t^\alpha H_t^\beta [G_t(\rho)L_t]^{1-\alpha-\beta} \quad (1)$$

که در آن Y_t درآمد (تولید) واقعی، K_t سرمایه فیزیکی، H_t سرمایه انسانی، L_t مقدار نیروی کار شاغل، G_t مخارج دولت و ρ سطح فساد در کشور است. همچنین فرض شده است: $G(\rho) < 0$ و $0 < \beta < 1$ ، $0 < \alpha < 1$ و $\alpha + \beta < 1$.

بر اساس این شرایط، اطمینان حاصل می‌شود که تابع تولید از بازدهی ثابت نسبت به مقیاس تولید برخوردار بوده و در هر نقطه دارای بازدهی نزولی است. همچنین با حذف متغیر فساد، مدل به شکل استاندارد نئوکلاسیک تبدیل می‌شود. معادلات مسیر یکنواخت رشد به شرح روابط (۲) و (۳) هستند:

$$\frac{dK}{dt} = s_K Y_t - \delta_K K_t \quad (2)$$

$$\frac{dH}{dt} = s_H Y_t - \delta_H K_t \quad (3)$$

که در آن پارامترهای s_K ، s_H ، δ_K و δ_H به ترتیب نشان دهنده سهم از درآمد که به سرمایه‌گذاری‌های انسانی و فیزیکی اختصاص داده شده، نرخ استهلاک سرمایه فیزیکی و انسانی است. فرض اشتغال کامل نرخ رشد نیروی کار با $n = \left(\frac{dL}{dt}\right)/L_t$ نشان داده شده و در مسیر یکنواخت رشد، فرم خلاصه شده به صورت رابطه (۴) ارائه می‌شود:

$$\ln(Y_t/L_t) = \ln(G_0) + gt + [\alpha/(1-\alpha-\beta)] \ln[s_K/(n+\delta_K+g)] + [\beta/(1-\alpha-\beta)] \ln[s_H/(n+\delta_H+g)] + G_t(\rho) \quad (4)$$

در رابطه (۴)، تولید به ازای هر واحد نیروی کار در مسیر یکنواخت رشد تابعی افزایشی از سطح اولیه مخارج دولت و نرخ رشد آن، پس‌انداز فیزیکی و انسانی و همچنین هزینه‌های دولت است. به بیانی دیگر رشد تولید به ازای هر واحد نیروی کار را می‌توان با تفاضل‌گیری آن طی زمان در اطراف مسیر یکنواخت به‌صورت رابطه (۵) به‌دست آورد:

$$\ln y_t - \ln y_0 = (1 - e^{-\lambda t}) \{ \ln(G_0) + gt - [(\alpha + \beta)(1 - \alpha - \beta)] \} \\ \ln(n + \delta + g) + [\alpha(1 - \alpha)\beta] \ln(S_K) + [\beta(1 - \alpha - \beta)] \ln(S_H) + \\ G_t(\rho) - (1 - e^{-\lambda t}) \ln y_0 \quad (5)$$

در رابطه (۵)، عامل فساد، اثر هزینه‌های دولت را تغییر داده و افزایش سطح فساد، رابطه معکوس با رشد تولید سرانه نیروی کار دارد. با این حال، با حذف متغیر فساد در رابطه ۵، مدل استاندارد نئوکلاسیک را نتیجه می‌دهد. به این معنا که نرخ رشد تولید به ازای هر کارگر با افزایش سرمایه‌گذاری در سرمایه فیزیکی و انسانی و کاهش رشد جمعیت، نرخ استهلاک سرمایه و سطح اولیه تولید به ازای هر کارگر افزایش می‌یابد. افزون بر این به‌منظور بررسی ارتباط بین تمرکززدایی و رشد اقتصادی از مدل تعمیم یافته سولو که توسط منیکو، رومرو بارو کار شده، استفاده شده است. محققان از تابع تولید کاب-داگلاس بهره برده و A_t که سطح تکنولوژی و عوامل نهادی دیگر مثل تمرکززدایی را نشان می‌دهد، به‌صورت زیر معرفی می‌کنند:

$$A_t = F(T_t, D_t, P_t, I_t) \quad (6)$$

در رابطه (۶)، T سطح تکنولوژی، D تمرکززدایی مالی، P سطح ثبات کلان اقتصادی (نرخ تورم) و I ، سطح برابری توزیع منابع عمومی در مناطق را نشان می‌دهند. همچنین ثبات کلان اقتصادی و برابری در توزیع منابع عمومی تابعی از تمرکززدایی مالی و عوامل برون‌زای دیگر فرض شده است. نرخ رشد نیروی کار n و نرخ رشد سطح تکنولوژی g به‌صورت برون‌زا تعیین می‌شوند.

منیکو مدل خود را با فرض بازده به مقیاس کاهنده در مورد سرمایه فیزیکی و انسانی مورد تحلیل قرار داده است که در این صورت اقتصاد در بلندمدت، نسبت‌های سرمایه‌انسانی به نیروی کار و سرمایه فیزیکی بخش خصوصی و دولتی به نیروی کار ثابت خواهد داشت. وقتی سطح تولید در مرحله یکنواخت قرار گیرد، فقط با افزایش تمرکززدایی مالی، با فرض اثر مثبت تمرکززدایی بر رشد و افزایش بهره‌وری سرمایه، سطح تولید سرانه افزایش پیدا می‌کند. برای تعیین اثر تمرکززدایی مالی

بر رشد اقتصادی باید سطح سرانه نهاده‌های فیزیکی تابع تولید در وضعیت یکنواخت محاسبه شود.

i_k و i_g ، i_h به ترتیب نسبتی از تولید می‌باشند که در افزایش سرمایه دولتی، انسانی و خصوصی سرمایه‌گذاری می‌شوند. $k_t = \frac{K_t}{L_t}$ ، $h_t = \frac{H_t}{L_t}$ و $g_t = \frac{G_t}{L_t}$ به ترتیب سرانه انباشت سرمایه خصوصی، انسانی و دولتی می‌باشند. با فرض آنکه تابع تولید مجدد برای همه انواع سرمایه یکسان باشد و نرخ استهلاک سرمایه (S) نیز برای همه نوع سرمایه یکسان باشد، نرخ رشد سرانه نهاده‌های سرمایه خصوصی، انسانی و دولتی برابر خواهد بود با:

$$\begin{aligned} \dot{k}_t &= i_k y_t - (n + g + s)k_t \\ \dot{h}_t &= i_h y_t - (n + g + s)h_t \\ \dot{g}_t &= i_g y_t - (n + g + s)g_t \end{aligned} \quad (7)$$

وقتی اقتصاد به سمت وضعیت حالت یکنواخت حرکت می‌کند، نرخ رشد سرانه نهاده‌های فیزیکی و انسانی برابر صفر خواهد بود. با حل معادلات شماره (۷) در وضعیت یکنواخت و جایگزینی مقادیر A_t و گرفتن لگاریتم طبیعی داریم:

$$\begin{aligned} \ln y_t^* &= \ln T_t + \ln D_t + \ln P_t + \ln I_t - \frac{\alpha + \beta + \phi}{1 - \alpha - \beta - \phi} \ln(n + g + s) + \\ &\frac{\alpha}{1 - \alpha - \beta - \phi} \ln i_k + \frac{\beta}{1 - \alpha - \beta - \phi} \ln i_h + \frac{\phi}{1 - \alpha - \beta - \phi} \ln i_g \end{aligned} \quad (8)$$

معادله (۸) نشان می‌دهد که در وضعیت یکنواخت، تولید سرانه، تابعی از انباشت سرمایه مجدد، نرخ رشد جمعیت، انباشت تکنولوژی و اثرات مستقیم غیرمستقیم تمرکززدایی مالی می‌باشد.

۴- مطالعات تجربی تمرکززدایی، فساد و رشد اقتصادی

۴-۱- مطالعات کنترل فساد مالی و رشد اقتصادی

نقطه شروع جریان فکری در مورد اثرات فساد بر اقتصاد تجزیه و تحلیل آثار و پیامدهای انحصار توسط تالوک^۱ در سال ۱۹۶۷ در مقاله‌ای با عنوان «هزینه‌های رفاهی تعرفه‌ها، انحصارات و دزدی» بوده که به بحث در خصوص موضوع فساد و رانت پرداخته است. بعد از وی، در سال ۱۹۷۴، کروگر^۲ با بسط مطالعات مرتبط با فساد، این حوزه از علم اقتصاد را «اقتصاد سیاسی جامعه فاسد و رانت‌جو» نامید. پس از کروگر، پوسنر^۳ در

1. Tullock
2. Krueger, A.
3. Posner

سال ۱۹۷۶ بر آن شد تا تخمین‌های کلی از فساد و رانت را ارائه و به توسعه بحث کمی اثرات فساد بر اقتصاد کلان بپردازد. در سال‌های اخیر در خصوص ارتباط فساد مالی و رشد از جمله مطالعات پیشگام، تحقیقات انجام گرفته بانک جهانی توسط مائورو^۱ (۱۹۹۵) و (۱۹۹۷) می‌باشد که نشان می‌دهد به‌طور متوسط با کاهش ۲ واحدی شاخص فساد در حدود ۴ درصد بهبود در نرخ سرمایه‌گذاری و ۰/۵ درصد جهش در نرخ رشد اقتصادی کشورها حاصل شده است. همچنین در مورد مدل‌های رشد درون‌زا که نقش بخش دولت را نیز مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد، محققانی همچون زیسمر^۲ ۱۹۹۱، هارتویک^۳ ۱۹۹۲، گلوم و راویکومار^۴ ۱۹۹۲ و رومر^۵ ۱۹۹۰، مدل‌هایی را ارائه و با تصریح فساد در مدل‌های رشد به بررسی اثرات فساد بر رشد پرداخته‌اند. هیلمن^۶ (۲۰۰۸)، در مطالعه خود به این نتیجه می‌رسد که فساد درآمدهای مالیاتی را کاهش داده و به دنبال آن سیاست‌های کلان اقتصادی را در دستیابی به اهداف اجتماعی ناکارآمد خواهد ساخت. بلک برن و همکاران^۷ (۲۰۱۲)، در قالب یک مدل تعادل عمومی به این نتیجه می‌رسند که ارتباط بین فساد و توسعه اقتصادی منفی است. گراندلر و همکارش^۸ (۲۰۱۹)، در مقاله‌ای با عنوان فساد و رشد اقتصادی، شواهد تجربی کاربردی، برای ۱۷۵ کشور طی دوره زمانی ۲۰۱۸-۲۰۱۲، به این نتیجه می‌رسند هنگامی که شاخص ادراک فساد یک انحراف معیار کاهش می‌یابد، تولید ناخالص داخلی سرانه در حدود ۱۷ درصد کاهش می‌یابد.

مطالعات داخلی گوناگونی نیز در خصوص فساد و رشد اقتصادی انجام شده است. صباحی و همکاران (۱۳۸۸)، به این نتیجه می‌رسند که اگرچه در کشورهای پردرآمد و کشورهای دارای درآمد متوسط کنترل فساد با رشد اقتصادی ارتباط مثبت معناداری دارد، در کشورهای کم‌درآمد این ارتباط منفی و معنادار است. دل انگیزان و همکاران (۱۳۹۲) نشان می‌دهند که در کشورهای با آزادی اقتصادی بالا، رابطه شاخص درک فساد مالی و رشد اقتصادی مثبت به‌دست آمده است، اما در گروه‌های با آزادی اقتصادی متوسط و پایین، رابطه شاخص درک فساد مالی و رشد اقتصادی منفی برآورد شده

1. Mauro
2. Ziesmer
3. Hartwick, J.
4. Glomm and Ravikumar
5. Romer
6. Hillman
7. Blackburn et.al
8. Grundler and Potrafke

است. در سال ۱۳۹۵ نیز سپهردوست و همکارش در مقاله‌ای به این نتیجه می‌رسند که شاخص فساد دارای اثر منفی غیرمستقیم بر رشد اقتصادی کشورهای مورد مطالعه می‌باشد و انتقال اثر از طریق عوامل واسطه‌ای و تأثیرگذار سرمایه‌گذاری، سرمایه انسانی، هزینه‌های دولت و بی‌ثباتی سیاسی معنی‌دار است. همچنین در مقایسه بین کشورهای رانتهی و کشورهای غیر رانتهی، اثر غیرمستقیم فساد بر رشد اقتصادی از طریق هر چهار عامل واسطه‌ای به صورت مجموع در کشورهای رانتهی بیشتر از کشورهای غیررانتهی طی سال‌های مورد مطالعه بوده است.

۴-۲- مطالعات تمرکززدایی مالی و فساد

مطالعات تجربی روی ارتباط بین تمرکززدایی و فساد دارای نتیجه واحد و یکسان نمی‌باشد. با این حال بیشتر مطالعات تجربی، نظیر هاتر و شا (۱۹۸۴)^۱، دملو و بارنستین^۲ (۲۰۰۱)، فیسمان و گاتی^۳ (۲۰۰۲)، آریکان^۴ (۲۰۰۴)، لیدرمن و همکاران^۵ (۲۰۰۵)، درهر^۶ (۲۰۰۶)، کایرا و روکا^۷ (۲۰۱۱)، آلتونباس و تورونتون^۸ (۲۰۱۳) بر این واقعیت تأکید دارند که تمرکززدایی منجر به کاهش فساد خواهد شد.

با این حال برخی مطالعات اشاره می‌کنند که تمرکززدایی تنها تحت شرایط معین می‌تواند ابزار کارآمدی برای مبارزه با فساد باشد. برای مثال انیکولوپوف و ژوراسکایا^۹ (۲۰۰۷) تأکید دارند که نماگرهای حکمرانی تنها هنگامی بهبود می‌یابد که تمرکززدایی مالی با احزاب ملی قوی همراهی شود. نوپای^{۱۰} (۲۰۰۷) اثبات می‌کند که اثر تمرکززدایی روی فساد در اقتصادهای درحال توسعه تأیید نمی‌گردد. لیسمن و مارک ورد^{۱۱} (۲۰۱۰) تأیید کردند که تمرکززدایی فساد را زمانی کاهش خواهد داد که آزادی بیان و انتشارات وجود داشته باشد و در غیاب آزادی بیان و نشر فساد افزایش خواهد یافت.

1. Huther and Shah
2. de Mello and Barenstein
3. Fisman and Gatti
4. Arian
5. Lederman et al.
6. Dreher
7. Kyria and Roca
8. Altunbas and Thornton
9. Enikolopov and Zhuravskaya
10. Nupia
11. Lessmann and Markwardt

دسته سوم مطالعات حکایت از این دارند که تمرکززدایی یا فدرالیسم فساد را افزایش می‌دهد. فان و همکاران (۲۰۰۹)، با استفاده داده‌های مقطعی ۸۰ کشور به این نتیجه رسیده‌اند که رشوه گزارش شده در کشورهای با سطوح متعدد لایه‌های اداری بیشتر تکرار می‌گردد. فرایل و همکاران (۲۰۰۸)، متوجه شده‌اند تمرکززدایی مالی با سطح پایین فساد همراه است ولی فدرالیسم و ساختارهای فدرال فساد را افزایش می‌دهد (گلداسمیت ۱۹۹۹، ترايسمن ۲۰۰۰، کونیکوا و رز آکرمین ۲۰۰۵). با این حال شان و همکارش^۱ (۲۰۱۹) در مقاله خود با عنوان تمرکززدایی مالی و فساد، شواهدی از دولت‌های محلی آمریکا، به این نتیجه می‌رسند که فساد در دولت‌های محلی آمریکا در ساختارهای تمرکززدایی شده افزایش یافته است.

والر و همکارانش^۲ (۲۰۱۸)، در مطالعه خود نشان می‌دهند در شرایط تمرکززدایی مالی، دولت متمایل به کاهش سطح فساد خواهد بود، بنابراین فساد با تمرکززدایی مالی بیشتر، کاهش عمده‌ای خواهد یافت.

در داخل کشور مطالعات اندک در تبیین ارتباط بین تمرکززدایی و فساد انجام گرفته است. صادقی و همکاران (۱۳۸۷)، در قالب یک الگوی اقتصادسنجی، با استفاده از داده‌های ترکیبی مقطعی - سری زمانی ۴ ساله (دوره) ۵۰ کشور و با به کارگیری روش «پانل دیتا»، به این نتیجه رسیده‌اند که افزایش تمرکززدایی در ابعاد مختلف، از طریق انتقال قدرت به سطوح پایین‌تر دولت برای کاهش قدرت انحصاری دولت مرکزی، اصلاحات در بخش عمومی و مقررات زدایی و شفافیت قوانین و مقررات، شرایطی را مهیا می‌کند که طی آن مقامات دولتی امکان تبانی و فساد را با بنگاه‌های اقتصادی بخش خصوصی نخواهند داشت و پیامد این امر نیز تشویق ورود بخش خصوصی به فعالیت‌های اقتصادی است.

۳-۴ - مطالعات تمرکززدایی و رشد اقتصادی

فیلیپ و والر^۳ (۱۹۹۸)، یک رابطه ضعیف معکوس بین تمرکززدایی و رشد را برای کشورهای توسعه یافته مشاهده کردند، ولی رابطه معنی‌داری برای کشورهای درحال توسعه نیافتند. بالعکس، داوودی و زو^۴ (۱۹۹۸) به یک رابطه منفی بین تمرکززدایی و

1. Shon & kyoung Cho

2. Waller & et al

3. Philips and Woller

4. Davoodi and Zou

رشد برای کشورهای در حال توسعه رسیدند، در حالی که مشاهده نکردند هیچ گونه رابطه معنی داری برای کشورهای توسعه یافته وجود ندارد. ایمی^۱ (۲۰۰۵) در مطالعه خود به این نتیجه رسیده است که تمرکززدایی قدرت به سطوح پایین تر دولتی منجر به بهبود کارایی اقتصادی و افزایش در نرخ اقتصادی در سطح ملی می شود. با این حال مطالعات تجربی موجود تصویرهای مختلف از اثرات تمرکززدایی روی رشد اقتصادی ارائه می دهند. تایین^۲ (۲۰۰۳)، به این نتیجه رسیده است که یک رابطه ای به شکل U معکوس بین رشد اقتصادی و تمرکززدایی مالی وجود دارد. کشورهای با تمرکززدایی متوسط یک رشد کمی بزرگ تر در مقایسه با کشورهایی با درجه تمرکززدایی بالا یا پایین دارند. مارتینز و همکاران (۲۰۰۳)، رابطه مستقیم بین تمرکززدایی مالی و رشد اقتصادی شناسایی نکرده اند. اگرچه محققان توانستند در صورت ثبات قیمتی، یک ارتباط غیرمستقیم را پیدا کنند. تورنتون^۳ (۲۰۰۷)، با تعریف معیاری خاص از تمرکززدایی به این نتیجه رسید که تمرکززدایی رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار نمی دهد. زهیر فریدی و همکاران^۴ (۲۰۱۹) نیز در بررسی رابطه بین تمرکززدایی مالی و رشد اقتصادی در کشورهای آسیای جنوب شرقی طی دوره زمانی ۲۰۱۶-۱۹۹۰ به این نتیجه می رسند که تمرکززدایی هزینه ای و درآمدی به ترتیب اثرات مثبت و منفی روی رشد اقتصادی کشورهای منتخب داشته است.

در داخل کشور مطالعات اندکی در تبیین ارتباط بین تمرکززدایی و رشد اقتصادی انجام گرفته است. فرزینوش و همکارش (۱۳۸۵) در مقاله ای با استفاده از مدل تعمیم یافته سولو اثر مستقیم و غیرمستقیم تمرکززدایی مالی بر رشد اقتصادی را ارزیابی کرده و نتیجه می گیرند که تمرکززدایی مالی (نسبت بودجه استان ها به بودجه عمومی کشور) در بلندمدت و کوتاه مدت به طور مستقیم نرخ رشد اقتصادی را افزایش می دهد، به طوری که یک درصد افزایش در تمرکززدایی مالی نرخ رشد اقتصادی را ۰/۰۵ درصد افزایش می دهد. در مطالعه ای دیگر عباسی و همکاران (۱۳۹۴) نشان داده اند که واگذاری اختیار مالی از نظر کسب درآمد به استان ها (تمرکززدایی مالی) تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی داشته است.

-
1. Imi
 2. Thieben
 3. Thornton
 4. Zahir Faridi & et al

۵- معرفی الگو، تخمین و تفسیر نتایج بین تمرکززدایی و فساد با رشد اقتصادی

۵-۱- معرفی فرضیه‌های تحقیق و الگوی تصریح شده

باتوجه به مباحث تئوریک نظری و با در نظر گرفتن مطالعات تجربی انجام شده در این خصوص، برای آزمون وجود ارتباط معنی‌دار بین تمرکززدایی و فساد با رشد اقتصادی، فرضیه‌ها به صورت زیر می‌باشند:

فرضیه (۱): افزایش فساد مالی منجر به کاهش رشد اقتصادی خواهد شد.

فرضیه (۲): تمرکززدایی اثر مثبت روی رشد اقتصادی دارد.

فرضیه (۳): اثرات منفی فساد مالی بر رشد اقتصادی با اعمال تمرکززدایی کاهنده خواهند بود.

برای بررسی فرضیه‌های فوق، الگوی تجربی تحقیق به شکل زیر معرفی می‌شود:

$$\text{Growth}_{it} = \alpha + \beta \text{Dec}_{it} + \mu \text{Cor}_{it} + \theta (\text{Cor} * \text{Dec})_{it} + \gamma \text{Control_Variables}_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در رابطه فوق، t نشان دهنده زمان و i بیانگر کشورها می‌باشد. با توجه به فروض فوق‌الذکر بایست ضرایب برآوردی به صورت زیر به دست آیند:

$$\hat{\beta} > 0, \hat{\mu} < 0, \hat{\theta} > 0$$

هم‌چنین در مقاله حاضر نمونه انتخاب شده، تعدادی از کشورهای کلیدی و بزرگ تولیدکننده و صادرکننده نفت خام (اوپک پلاس: اعضای اوپک به علاوه روسیه) مدنظر قرار گرفته شده است^۱، چرا که شواهد نشان می‌دهد در کشورهایی که وابستگی بیش از اندازه اقتصادی و نیز بودجه دولت به درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام وجود دارد، افزایش تمرکزگرایی و گسترش فساد مالی و رانت و انحصار حاصل از تمرکز منابع مشاهده می‌شود، از این رو الگو به روش داده‌های تابلویی برای ۱۵ کشور نفتی اوپک پلاس طی دوره زمانی ۲۰۱۷-۱۹۹۸ برآورد شده است، لذا با توجه به نمونه منتخب ۱۵ کشوری برای دوره زمانی ۲۰ ساله، تعداد نمونه ۳۰۰ بوده است.

۵-۲- معرفی متغیرهای مدل

متغیر وابسته تحقیق، رشد اقتصادی کشورهای منتخب نفتی است که به صورت $GDPgrowth$ نرخ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی تعریف می‌شود.

۱. این کشورها عبارتند از: عربستان سعودی، ایران، امارات متحده عربی، کویت، ونزوئلا، لیبی، الجزایر، نیجریه، گابن، گینه استوایی، کنگو، آنگولا، قطر و عراق به علاوه روسیه.

متغیرهای مستقل تحقیق

باتوجه به اینکه هدف مقاله حاضر بررسی نوع و میزان ارتباط تمرکززدایی و فساد با رشد اقتصادی است، لذا سعی شده است متغیرهای مستقل مدل در دو گروه متغیرهای اصلی و کنترلی آورده شوند، لذا شاخص‌های بیانگر تمرکززدایی نظیر تمرکززدایی هزینه‌ای، درآمدی و مالی و شاخص کنترل فساد مالی به‌عنوان متغیرهای مستقل اصلی در نظر گرفته شده‌اند. هم‌چنین از شاخص کنترل فساد مالی منتشرشده توسط سازمان بین‌المللی شفافیت برای کشورهای مختلف (موجود در سایت سازمان)^۱ به‌عنوان شاخص فساد بهره گرفته شده است.

شرح و توضیح متغیرهای مستقل و کلیدی ملحوظ در مدل به‌صورت زیر می‌باشند:

متغیرهای مستقل اصلی شامل:

متغیرهای تمرکززدایی^۲:

- شاخص تمرکززدایی هزینه‌ای (DECexp): نسبت هزینه دولت مرکزی به کل هزینه‌های عمومی جامعه

- شاخص تمرکززدایی درآمدی (DECrev): نسبت درآمدهای دولت مرکزی به کل درآمدهای عمومی جامعه

- شاخص تمرکززدایی مالی (DECfin): نسبت اندازه دولت‌های محلی به مرکزی

COR: شاخص کنترل فساد (شاخص بین صفر و ده بوده و حرکت به سمت ده نشانگر موفقیت کشور در کنترل فساد است).

متغیرهای کنترلی شامل:

gdp-oil: نسبت درآمدهای نفتی به تولید ناخالص داخلی

inv_gdp: نسبت سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی به تولید

fdi - gdp: نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (ورودی) به تولید

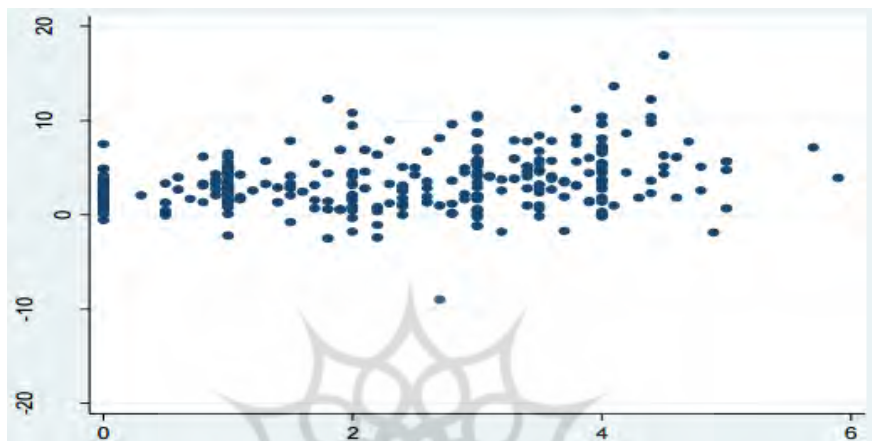
HDI: شاخص توسعه انسانی که ترکیبی از وضعیت آموزش، بهداشت و رفاه کشورهاست.

OPEN: شاخص باز بودن کشوری که از نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی حاصل می‌شود.

1. www.Transparency.org

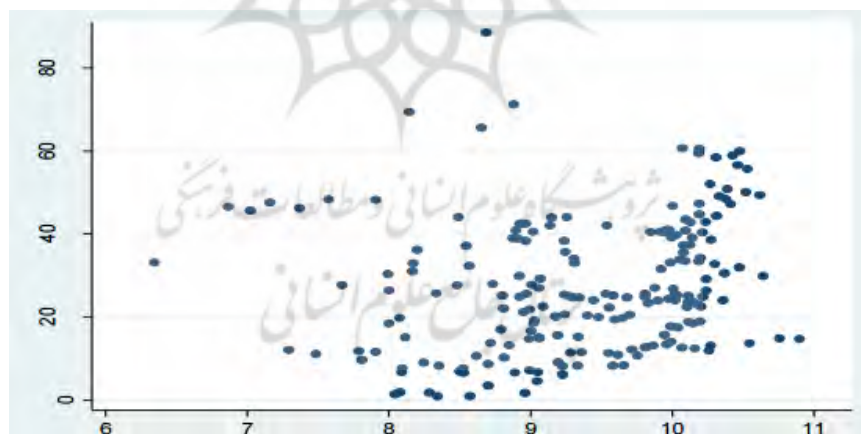
2. <http://www.worldbank.org/publicsector/decentralization/fiscalindicators.htm>

همچنین نمودارهای زیر پراکنش بین رشد با کنترل فساد و تمرکززدایی در بین کشورهای جهان منتشر شده توسط بانک جهانی می‌باشد. طبق این پراکنش‌ها ارتباط مثبت البته ضعیف کنترل فساد مالی با رشد اقتصادی و همچنین ارتباط مثبت و قوی تمرکززدایی مالی با رشد اقتصادی مشاهده می‌شود.



منبع: بانک جهانی

نمودار ۱. پراکنش بین رشد اقتصادی و کنترل فساد مالی در سال ۲۰۱۷



منبع: بانک جهانی

نمودار ۲. پراکنش بین رشد اقتصادی و تمرکززدایی مالی در سال ۲۰۱۷

۵-۳- تخمین و تفسیر نتایج الگو

برای تخمین مدل لازم است تا نوع روش تخمین پانل دیتا تعیین شود. با توجه به اینکه دوره زمانی ۲۰ ساله ۱۹۹۸-۲۰۱۷ برای ۱۵ کشور منتخب نفتی در نظر گرفته شده لذا تعداد مقاطع کشوری - کشورهای صادرکننده نفتی - کمتر از دوره زمانی است، لذا ضروری است در ابتدا مانایی متغیرها و سپس هم‌انباشتگی مدل بررسی شود. بررسی مانایی متغیرهای مدل براساس آزمون‌های لوین- لین- چو^۱ و پسران و شین^۲ نشان می‌دهد که تمامی متغیرهای مورد استفاده در سطح معنی‌دار بوده و مانا هستند. همچنین آزمون هم‌انباشتگی به روش آزمون کائو^۳ وجود رابطه بلندمدت هم‌انباشتگی بین متغیرهای مدل را تأیید نمی‌کند، لذا در مدل‌های پانل که هم‌انباشتگی حاکم نیست، استفاده از روش حداقل مربعات خطی جهت تخمین رابطه بلندمدت نتایج بدون تورش به همراه خواهد داشت.

جدول ۱. آزمون ریشه واحد (مانایی) متغیرهای مدل در سطح

| متغیر | | آزمون لوین- لو و چو | | آزمون ایم، پسران و شین | |
|--|----------|---------------------|----------|------------------------|--------|
| آماره | احتمال | آماره | احتمال | آماره | احتمال |
| شاخص کنترل فساد مالی | -۱۰/۶۵۶۴ | ۰/۰۰۰ | -۷/۰۳۸۳۵ | ۰/۰۰۰ | |
| شاخص تمرکززدایی هزینه‌ای | -۸/۸۵۲۳ | ۰/۰۰۰ | -۶/۸۷۳۴ | ۰/۰۰۰ | |
| شاخص تمرکززدایی درآمدی | -۷/۷۴۲۸ | ۰/۰۰۰ | -۵/۹۷۳۶ | ۰/۰۰۰ | |
| شاخص تمرکززدایی مالی | -۶/۹۵۳۴ | ۰/۰۰۰ | -۴/۹۷۳۴ | ۰/۰۰۰ | |
| سرمایه‌گذاری خارجی به تولید ناخالص داخلی | -۱۲/۸۶۴۵ | ۰/۰۰۰ | -۸/۴۹۵۶ | ۰/۰۰۰ | |
| شاخص توسعه انسانی | -۴/۱۷۰۰۲ | ۰/۰۰۰ | -۰/۸۳۴۷۳ | ۰/۱۶۵۳ | |
| سرمایه‌گذاری داخلی به تولید ناخالص داخلی | -۱۶/۵۰۶۲ | ۰/۰۰۰ | -۱۰/۸۶۰۴ | ۰/۰۰۰ | |
| نسبت درآمدهای نفتی به تولید ناخالص داخلی | -۶/۷۶۳۴ | ۰/۰۰۰ | -۵/۸۷۶۶ | ۰/۰۰۰ | |
| شاخص باز بودن تجاری | -۱۱/۰۹۳۶ | ۰/۰۰۰ | -۶/۳۹۷۶ | ۰/۰۰۰ | |
| نرخ رشد اقتصادی | -۱۷/۶۰۳۵ | ۰/۰۰۰ | -۱۰/۹۸۰۲ | ۰/۰۰۰ | |

منبع: یافته‌های تحقیق

1. Levin, Lin & Chu t*
2. Im, Pesaran and Shin
3. Kao Residual Cointegration Test

جدول ۲. نتایج آزمون هم‌انباشتگی کائو

| ارزش احتمال | آماره t | نوع آزمون |
|-------------|----------|------------------------|
| ۰/۲۴۵۲۷ | -۰/۷۵۴۷۳ | آزمون هم‌انباشتگی کائو |

منبع: یافته‌های تحقیق

هم‌چنین قبل از تخمین مدل لازم است تا نوع روش تخمین پانل دیتا تعیین شود. بنابراین، ابتدا برای تعیین وجود (یا عدم وجود) عرض از مبدا جداگانه برای هر یک از کشورها از آماره F به صورت زیر استفاده شده است:

$$H_0: \alpha_1 = \alpha_2 = \dots = \alpha_k = \alpha$$

$$H_1: \alpha_i \neq \alpha_j$$

$$F(n-1, nt-n-k) = \frac{(RSS_{UR} - RSS_P) / (n-1)}{(1 - RSS_{UR}) / (nt-n-k)}$$

در رابطه فوق، UR، مشخص کننده مدل محدود نشده و علامت P، نشان دهنده مدل پولینگ یا محدود شده با یک عبارت ثابت برای تمامی گروه‌ها می‌باشد. k، تعداد متغیرهای توضیحی لحاظ شده در مدل، n تعداد کشورها، $N = nt$ تعداد کل مشاهدات و (t دوره زمانی مورد نظر) می‌باشد. آماره F مدل برای رگرسیون غیر مقید و مقید (بترتیب اثرات ثابت و حداقل مربعات وزنی) به شرح ذیل می‌باشد:

$$F(9, 185) = 3/16$$

از آنجایی که F محاسبه شده بیشتر از F جدول با درجه آزادی ۹ و ۱۸۵ در سطح احتمال ۹۵ درصد می‌باشد، فرضیه H_0 رد شده و اثرات گروه پذیرفته می‌شود و باید عرض از مبدهای مختلف را در برآورد در نظر شود.

سپس برای آزمون اینکه مدل با بهره‌گیری از روش اثرات ثابت یا اثرات تصادفی برآورد شود، از آزمون هاسمن^۱ استفاده شده است. با استفاده از نرم افزار ایویوز، آماره کای دو در حدود ۱/۴۹ با P-Value تقریباً ۰/۹۶ برآورد شده که معنی‌دار نبود و لذا روش اثرات ثابت برای تخمین مدل تأیید شده است.

حال براساس آماره F و هاسمن که دال بر استفاده از روش اثرات ثابت در تخمین مدل بوده‌اند، نتایج برآورد مدل به صورت زیر گزارش می‌شود:

1. Hausman Test

جدول ۳. بررسی اثرات تمرکززدایی و کنترل فساد بر رشد اقتصادی

متغیر وابسته: نرخ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی کشورهای منتخب نفتی

| متغیرهای توضیحی | الگوی (۱) | الگوی (۲) | الگوی (۳) |
|--|--------------|--------------|--------------|
| Cor: شاخص کنترل فساد | ۰/۷۴ (۲/۸۸) | ۰/۵۳ (۲/۸۹) | ۰/۶۲ (۳/۲۲) |
| شاخص تمرکززدایی هزینه‌ای (DECexp) | ۰/۴۳ (۱/۹۳) | - | - |
| شاخص تمرکززدایی درآمدی (DECrev) | - | ۰/۱۳ (۲/۶۳) | - |
| شاخص تمرکززدایی مالی (DECfin) | - | - | ۰/۱۸ (۵/۵۷) |
| شاخص فساد در تمرکززدایی (DEC*Cor) | ۰/۱۹ (۳/۵۶) | ۰/۱۶ (۳/۲۶) | عدم معنی‌دار |
| fdi - gdp: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به تولید ملی | ۰/۱۷ (۱/۹۱) | عدم معنی‌دار | عدم معنی‌دار |
| HDI: شاخص توسعه انسانی | ۰/۵۲ (۲/۳۰) | ۰/۴۷ (۱/۹۰) | ۰/۵۳ (۴/۱۰) |
| inv_gdp: سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی به تولید ناخالص داخلی | ۰/۳۵ (۱/۹۴) | ۰/۳۸ (۲/۳۰) | ۰/۴۵ (۲/۵۵) |
| OPEN: شاخص باز بودن تجاری | عدم معنی‌دار | ۰/۰۹ (۲/۶۵) | ۰/۰۸ (۱/۹۳) |
| Oil-Gdp: نسبت درآمدهای نفتی به تولید ناخالص داخلی | ۰/۴۲ (۳/۹۴) | ۰/۴۷ (۳/۵۵) | ۰/۵۱ (۲/۹۸) |
| ضریب تعیین | ۰/۶۷ | ۰/۵۹ | ۰/۷۳ |

* الگوهای ۱ تا ۳ برگرفته از مدل تصریحی رشد اقتصادی بوده با این تفاوت که به دلیل در نظر گرفتن معنی‌داری الگو، برخی از متغیرهایی که معنی‌دار نبودند، لحاظ نشده است.
منبع: یافته‌های تحقیق

نظر به اینکه در مدل پانل، روش اثرات ثابت تأیید شده، لازم است مسأله خودهمبستگی و ناهمسانی واریانس نیز بررسی و برطرف شود. در حالی که باید تغییرات جملات خطا در طول زمان کاملاً تصادفی باشد، خودهمبستگی نشان از تغییرات آن‌ها به‌طور منظم دارد، لذا باید مدل تخمینی از این لحاظ مشکلی نداشته باشد. از سویی دیگر مشکلات ناهمسانی واریانس منجر به افزایش واریانس ضرایب برآوردی عرض از مبدأ می‌شود و از سویی واریانس سایر متغیرهای مستقل برآوردی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و منجر به این می‌شود که تخمین برآوردی از کارایی لازم برخوردار نباشد.

برای آزمون خودهمبستگی سریالی در داده‌های تابلویی، وولدریج آزمون خودهمبستگی ساده‌ای را پیشنهاد می‌کند که در آن جملات اختلال از فرایند خودرگرسیون مرتبه اول (AR (1) پیروی می‌کنند. هم‌چنین برای بررسی ناهمسانی واریانس از آزمون "نسبت راستنمایی" بهره گرفته شده است. با این حال به دلیل استفاده از روش تشخیص وایت^۱ در برآورد اثرات ثابت، مسأله ناهمسانی واریانس قابل برطرف کردن می‌باشد. یافته‌های تحقیق حاصل از آزمون وولدریج حاکی از آن است که فرضیه صفر مبنی بر "عدم وجود خودهمبستگی مرتبه اول" را نمی‌توان رد کرد، لذا می‌توان گفت مدل موردنظر با مشکل خودهمبستگی اجزاء اخلاص مواجه نمی‌باشد. هم‌چنین نتیجه حاصل از آزمون نسبت راستنمایی برای متغیرهای مدل نشان می‌دهد که با اطمینان ۹۵ درصد، فرضیه صفر مبنی بر "همسانی واریانس" را نمی‌توان رد کرد، لذا مدل با مشکل ناهمسانی واریانس مواجه نمی‌باشد.

هم‌چنین با توجه به اینکه از ۳۰۰ مشاهده در برآورد مدل تحقیق (دوره زمانی ۲۰ ساله ۱۵ کشور منتخب نفتی و زیاد بودن تعداد مشاهدات) استفاده شده، مسأله هم‌خطی را حل می‌کند، چرا که داده‌ها هم درطول زمان و هم مقاطع تغییر می‌کنند و احتمال کمتری می‌رود متغیرها با یکدیگر هم‌خطی زیادی داشته باشند. هم‌چنین مقادیر عامل افزایش واریانس (VIF)^۲ به‌عنوان شاخصی برای بررسی هم‌خطی بین متغیرهای مستقل کمتر از ۱/۳ بوده‌اند که نشان از عدم وجود هم‌خطی بین متغیرها دارد.

درخصوص تفسیر نتایج مدل باید اشاره کرد:

اولاً، با توجه به ضریب تعیین مدل‌های برآوردی، متغیرهای توضیحی لحاظ شده در مدل توانسته‌اند در حدود ۶۷ درصد، ۵۹ درصد و ۷۳ درصد تغییرات رشد اقتصادی کشورهای نفتی را توضیح و تبیین کنند. این نتیجه حاکی از برازش خوب مدل می‌باشد، لذا می‌توان در سیاست‌گذاری‌ها بر آن استناد کرد.

ثانیاً، در مجموع نتایج به‌دست آمده از برآورد الگوهای مختلف رشد اقتصادی در راستای ۳ فرضیه مطرح شده در مقاله نشان می‌دهد:

مورد متغیر فساد مالی تأکیدی بر ارتباط معنی‌دار و مستقیم بین شاخص کنترل فساد با رشد اقتصادی کشورهای نفتی وجود دارد، به گونه‌ای که بهبود یک واحدی

1. White diagonal method
2. Variance Inflation Factor

شاخص کنترل فساد در بین کشورهای منتخب در الگوهای مختلف برآورد شده به ترتیب و به طور متوسط در حدود ۰/۷۴ درصد، ۰/۵۳ درصد، ۰/۶۲ درصد رشد اقتصادی آنها را افزایش داده است. نتایج سه مدل برآوردی گویای این واقعیت است که در کشورهای نفتی با ساختارهای رانتی و بوروکراسی‌های پیچیده، برای بهبود وضعیت سرمایه‌گذاری و تولید و به تبع آن افزایش رشد اقتصادی، کنترل و مقابله با فساد مالی راهبرد محوری است و بدون شفافیت و اصلاحات ساختاری برای کنترل فساد و رانت، شاهد رشد اقتصادی پایدار و باثبات در کشورهای نفتی نخواهیم بود.

در خصوص شاخص‌های تمرکززدایی نتایج برآورد نشان می‌دهد که با انجام تمرکززدایی هزینه‌ای، درآمدی و مالی در کشورهای نفتی، رشد اقتصادی این کشورها به ترتیب ۰/۴۳ درصد، ۰/۱۳ درصد و ۰/۱۸ درصد افزایش خواهد یافت. هم‌چنین در بین شاخص‌های مختلف تمرکززدایی، تمرکززدایی هزینه‌ای بیشترین اثر و ضریب مثبت و معنی‌دار را بر افزایش رشد اقتصادی کشورهای مزبور دارد. طبق نتایج به دست آمده می‌توان این طور بیان کرد که اجرای سیاست‌های تمرکززدایی و استقلال درآمدی و هزینه‌ای، با افزایش اختیارات به مناطق مختلف (استان‌ها و ایالت‌ها) کشور می‌تواند به مدیریت بهینه هزینه‌ها و بهبود وضعیت درآمدی مناطق مختلف و در کل کشورهای نفتی منتهی شود و انتظار می‌رود اصلاحات هزینه‌ای و درآمدی به کاهش هزینه‌های زائد و غیرضرور، منطقی‌سازی اندازه دولت‌ها و تخصیص بهینه منابع در سطح کشورها و در پی آن بهبود وضعیت تولید و سرمایه‌گذاری و در نتیجه تقویت رشد اقتصادی کشورها منجر شود.

طبق نتایج الگوهای (۱) و (۲)، اثرات منفی فساد مالی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب نفتی با اعمال تمرکززدایی کاهنده خواهند بود، به طوری که با اعمال تمرکززدایی هزینه‌ای و درآمدی، اثرات منفی فساد مالی بر رشد اقتصادی به میزان ۰/۱۹ درصد و ۰/۱۶ درصد کاهش خواهد یافت. با این حال در الگوی (۳) و با بهره‌گیری از شاخص تمرکززدایی مالی، ضریب برآوردی معنی‌دار گزارش نشده است. طبق نتایج برآوردها مشخص است که کشورهای نفتی چنانچه خواهان رشد اقتصادی باثبات و پایدار و کاهش اثرات و تبعات منفی فساد مالی بر رشد اقتصادی هستند، ناگزیر بایست به اجرای سیاست‌های تمرکززدایی بویژه تمرکززدایی هزینه‌ای و درآمدی بپردازند و با اجرای این سیاست‌ها اثرات منفی و مخرب فساد مالی بر رشد اقتصادی کاهنده خواهد شد.

همچنین نتایج تخمین برای متغیرهای کنترل بیانگر این است که:

(۱) افزایش جذب سرمایه‌های خارجی در کشورهای نفتی در الگوی (۱) به افزایش رشد اقتصادی آنها تأثیرگذار خواهد بود، به طوری که افزایش یک درصدی این متغیر (به‌عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی) در الگوی تصریحی و برآورد شده رشد به‌طور متوسط حدود ۰/۱۷ درصد رشد اقتصادی این کشورها را بالا خواهد برد. در ضمن در الگوی تصریحی (۲) و (۳) این متغیر معنی‌دار گزارش نشده است.

(۲) نتایج در طی دوره مذکور حاکی از آن است که افزایش سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی (به‌عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی) نیز سبب بهبود رشد اقتصادی کشورهای نفتی شده، به طوری که ضریب برآوردی در هر سه الگوی تصریحی، مثبت و معنی‌دار و به ترتیب معادل ۰/۳۵ درصد، ۰/۳۸ درصد و ۰/۴۵ درصد است.

(۳) بهبود سطح توسعه انسانی کشورهای نفتی منتخب موجب افزایش رشد اقتصادی آنها شده، به گونه‌ای که طبق نتایج به‌دست آمده از تخمین، افزایش یک واحدی شاخص توسعه انسانی در الگوهای اول تا سوم رشد به ترتیب حدود ۰/۵۲ درصد، ۰/۴۷ درصد و ۰/۵۳ درصد رشد اقتصادی کشورهای منتخب را بهبود بخشیده است.

(۴) شاخص بازبودن تجاری نیز اثر مثبت بر رشد اقتصادی کشورهای نفتی داشته، به طوری که افزایش یک درصدی شاخص بازبودن تجاری در الگوی دوم و سوم رشد، به ترتیب در حدود ۰/۰۹ و ۰/۰۸ درصد رشد اقتصادی کشورهای مذکور را افزایش داده است. در کل، اصولاً آزادسازی تجاری و اقتصادی به معنی کاهش تمامی موانع قانونی و مقرراتی فراروی تجارت می‌باشد. آزادسازی تدریجی در بخش تجارت کالا و خدمات که همراه کاهش ریسک اقتصادی و بهبود شفافیت بازار است، می‌تواند در جذب سرمایه‌گذار خارجی و افزایش مبادلات تجاری نقش مهمی ایفا کرده و افزایش رشد اقتصادی را در پی خواهد داشت.

(۵) نتایج در طی دوره مذکور نشان از این دارد که طبق انتظار تئوریک، افزایش درآمدهای نفتی (به‌عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی) در کشورهای منتخب با سطح معنی‌داری بالا و در هر سه الگوی تصریحی اثر مثبت بر رشد اقتصادی داشته و ضرایب برآوردی به ترتیب معادل ۰/۴۲ درصد، ۰/۴۷ درصد و ۰/۵۱ درصد بوده است، لذا وابستگی رشد اقتصادی کشورهای منتخب به درآمدهای نفتی کاملاً مشهود است.

لذا با توجه به نتایج به‌دست آمده تأیید شد که اولاً، «سطح بالاتر فساد، رشد اقتصادی کشورهای نفتی را کاهش می‌دهد» چراکه (۱) فساد با نقش بازدارندگی پیش‌روی سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی موجب کاهش تولید و

درآمدها و افزایش هزینه‌های دولتی می‌شود. ۲) فساد روند کار بازار و تخصیص منابع را مختل می‌کند، به این دلیل که توان دولت را برای وضع مقررات کنترلی و نظارت‌های مورد نیاز برای اصلاح نقایص بازار کاهش می‌دهد. ۳) چنانچه دولت یا دولتمردان برای سوء استفاده و با هدف کسب منافع در امور دخالت کنند - مانند ایجاد انحصارهای دولتی برای منافع شخصی - خود به خود کارایی و بهره‌وری اقتصادی کاهش یافته و سطح تولید افت می‌کند. ۴) فساد انگیزه بخش خصوصی را از بین می‌برد و این بخش فعال را به سمت رانت‌جویی سوق می‌دهد و توان فعالیت‌های موثر و سازنده را کمتر می‌کند. ۵) فساد به صورت مالیات اضافی عمل کرده و هزینه‌های تولید را افزایش می‌دهد و مانع ورود بنگاه‌های اقتصادی به بازار می‌شود. ۶) فساد موجب کاهش یا اختلال نقش دولت - مانند اجرای قراردادها، حمایت از حقوق مالکیت خصوصی و ... - می‌شود. زمانی که افراد خارج از تعهد خود عمل می‌کنند یا غیر از آنچه در قراردادهای ذکر شده است، انجام می‌دهند یا به دلیل وجود فساد از حقوق مالکیت خود سوء استفاده کنند، در حقیقت یکی از نقش‌های اصلی دولت مخدوش شده و این مسئله تأثیر منفی بر رشد خواهد داشت. ۷) هم‌چنین فساد، قانون‌مندی اقتصاد بازار را زیر سؤال می‌برد و اقتصاد بازار را کند و حتی متوقف می‌سازد.

ثانیاً، طبق نتایج تأیید شد «افزایش تمرکززدایی، رشد اقتصادی کشورهای نفتی را افزایش می‌دهد»، چرا که درچارچوب تمرکززدایی می‌توان انتظار داشت که کارایی منافع عمومی، رقابت‌پذیری، کاهش اندازه و دخالت دولت و پاسخگویی افزایش یابد، که همه این موارد می‌تواند به افزایش رشد اقتصادی بیانجامد.

ثالثاً، تأیید شده است که «اثرات منفی فساد مالی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب نفتی با اعمال تمرکززدایی کاهش یافته بود»، چراکه اقدام به تمرکززدایی در بین دولت‌ها در ابعاد مختلف اعم از هزینه‌ای (مخارج) و درآمدی با کاهش اثرات منفی فساد مالی می‌تواند به رشد اقتصادی منجر شود. در حقیقت می‌توان ادعا کرد که یکی از سازوکارهای مهم برای مقابله با فساد و کاهش اثرات آن، انتقال قدرت و انحصار و مسئولیت‌های مالی، سیاسی و مدیریتی از دولت مرکزی به دولت‌های میانی و محلی و یا بخش خصوصی است، که همین امر می‌تواند منجر به کاهش اثرات منفی فساد بر رشد اقتصادی شود.

۷- جمع‌بندی و پیشنهادهای سیاستی

آنچه در سال‌های اخیر در محافل علمی درخصوص علل رشد اقتصادی مطرح شده، نقش عواملی همچون تمرکززدایی و فساد در الگوهای رشد است. برخی نتایج مطالعات حکایت از ارتباط معنی‌دار و قوی بین تمرکززدایی با رشد اقتصادی دارند، درحالی‌که در تعدادی از مطالعات تجربی، تمرکززدایی تأثیری بر رشد اقتصادی نداشته یا اینکه برای ایجاد اثرات مثبت تمرکززدایی بر رشد بایست دیگر الزامات و بسترها همچون ساختارهای رقابتی و شفاف و نظارت دولت مرکزی نیز وجود داشته باشد. همچنین بر روی اثرات تمرکززدایی بر فساد و به‌دنبال آن بر رشد نیز نتیجه واحد و یکسان نمی‌باشد. برخی مطالعات نشان از اثرات مثبت تمرکززدایی بر کاهش فساد دارند، درحالی‌که در سایر مطالعات این امر مشروط به وجود احزاب قوی و آزادی بیان و انتشار شفاف اطلاعات است. اندک مطالعات تجربی نیز تمرکززدایی و فدرالیسم را عامل افزایش فساد می‌دانند.

از این‌رو با توجه به اهمیت موضوع، درمقاله حاضر نیز تلاش شده است به بررسی ارتباط بین رشد با تمرکززدایی و فساد در بین کشورهای نفتی پرداخته شود، لذا درجهت پاسخ به فرضیه‌های تحقیق برای کشورهای نفتی، ابتدا مبانی نظری و مطالعات تجربی مرتبط با تمرکززدایی و فساد با رشد اقتصادی اشاره شده و درنهایت با معرفی الگوهای رشد مشتمل بر متغیرهای اقتصادی کنترلی و متغیرهای اصلی تمرکززدایی مالی و فساد، این مدل‌ها در شرایط مختلف تخمین زده شده تا میزان و نحوه اثرگذاری شاخص‌های مختلف تمرکززدایی و فساد بر رشد اقتصادی کشورهای نفتی مشخص شود. نتایج کلی به‌دست آمده از برآورد الگوهای رشد بر ارتباط معنی‌دار و مستقیم بین شاخص کنترل فساد با رشد اقتصادی کشورهای نفتی تأکید دارد، لذا طبق نتایج حاصل می‌توان پیشنهاد داشت که کشورهای نفتی که به‌دنبال افزایش رشد اقتصادی و درپی آن بهبود رفاه و درآمد سرانه می‌باشند، بایستی برنامه جدی جهت مقابله و ریشه‌کنی فساد پیاده کنند و تا زمانی که فساد مالی درسطح بالایی باشد، امکان تحقق رشد اقتصادی مداوم و مستمر وجود ندارد، از این رو باید گفت که تأیید درستی فرضیه تحقیق تأکیدی بر این بوده که افزایش فساد، هزینه‌های اقتصادی بر کشورها تحمیل کرده و عامل بازدارنده رشد و توسعه کشورها است.

همچنین طبق نتایج مشخص شده است که با تمرکززدایی درآمدی و هزینه‌ای، رشد اقتصادی کشورهای نفتی افزایش خواهد یافت. بیشتر کشورهای نفتی دارای ساختاری متمرکز و دارای دولتی با اندازه بزرگ و دربرگیرنده انحصار در حوزه منابع و مسائل تصمیم‌گیری هستند، لذا پیشنهاد مقاله چنین است چنانچه تمرکززدایی در کشورهای نفتی صورت گیرد، شاهد افزایش کارایی و بهره‌وری در توزیع منابع و ثروت در سطح ملی شده و حاصل این امر به افزایش رشد اقتصادی کمک خواهد کرد، لذا برپایه، نتایج، چنانچه کشورهای نفتی در نظر دارند رشد اقتصادی پرشتاب و پایدار داشته باشند، بایست از ساختار متمرکز کم کرده و به سمت تمرکززدایی منابع مالی، درآمدی و هزینه‌ای پیش بروند و تا حد امکان به واگذاری امور به دولت‌های محلی و منطقه‌ای اقدام کنند.

همچنین طبق نتایج تحقیق باید پیشنهاد شود کشورهایی که از ساختار درگیر با فساد مالی و اقتصادی رنج می‌برند، در صورت اتخاذ سیاست‌های تمرکززدایی و کاهش تمرکز اختیارات و توزیع منابع به مناطق و دولت‌های محلی قادر خواهند بود تا حدودی به اثرات منفی و بازدارنده فساد بر رشد اقتصادی فائق آیند.

همچنین دیگر نتایج تحقیق حکایت از این دارد که حرکت کشورهای نفتی به سمت بازارهای جهانی و افزایش آزادسازی و باز بودن اقتصادی و تجاری و حذف موانع تجاری در میان کشورها، سبب بهبود رشد اقتصادی کشورهای مذکور شده و افزایش رشد تولید ناخالص داخلی آنها را در پی داشته است. جذب سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی نیز دارای تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی کشورها می‌باشد. تجربه کشورها حاکی از آن است که ورود سرمایه‌های خارجی به دلیل رشد پیشرفت‌های تکنولوژیکی که در پی دارد، سبب بهبود رشد اقتصادی کشورها خواهد شد. همچنین طی دوره مورد بررسی برای کشورهای منتخب نفتی، بهبود توسعه انسانی کشورها که با افزایش سرمایه انسانی و انباشت دانش و مهارت نیروی کار و نیز ارتقای وضعیت بهداشتی و رفاهی جامعه سنجدیده می‌شود، اثر مثبت بر رشد اقتصادی کشورهای منطقه داشته است.

منابع

۱. رهبر، فرهاد، میرزاوند، فضل‌الله و زال‌پور، غلامرضا (۱۳۸۱). *بازشناسی عارضه فساد مالی، ماهیت، گونه‌ها، پیامدها و آموزه‌های تجربی*، جهاد دانشگاهی دانشکده اقتصاد تهران، تهران، مؤسسه نشر جهاد
۲. سپهر دوست، حمید، فطرس، محمدحسن و برجیسیان، عادل (۱۳۹۵). *بررسی مقایسه‌ای کانال‌های تأثیرگذاری فساد بر رشد اقتصادی در اقتصادهای رانتی و غیررانتی*، فصلنامه نظریه‌های کاربردی اقتصاد، دوره ۳، شماره ۱، شماره پیاپی ۸، صفحه ۵۹-۸۸
۳. سمیعی، حسن (۱۳۴۸). *حقوق جزا*، انتشارات شرکت مطبوعات
۴. عباسی، ابراهیم، رستگاریان، فاطمه و حسینی، مهدی (۱۳۹۴). *بررسی تأثیر تمرکززدایی مالی بر اندازه دولت و رشد اقتصادی استان‌ها*، فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، سال ۲۰، شماره ۲، صص ۱۹-۳
۵. علم، ام. شهید (۱۳۶۸). *کالبدشناسی فساد، گزیده مسائل اقتصادی - اجتماعی*، شماره ۹۷ و ۹۸.
۶. فرزین‌وش، اسدا... و غفاری‌فرد، محمد (۱۳۸۵). *بررسی تأثیر تمرکززدایی مالی بر رشد و ثبات اقتصادی در ایران*، مجله تحقیقات اقتصادی تهران، دوره ۴۱، شماره ۶.
۷. گزارش توسعه جهانی در سال ۱۹۹۷، (۱۳۷۸). *نقش دولت در جهان در حال تحول*، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
۸. محمودی، وحید (۱۳۸۶). *تمرکززدایی و اصلاحات ساختاری برای توسعه کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی*، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی بنای آینده‌ای مطمئن برای آسیای جنوب غربی، مجمع تشخیص مصلحت نظام،
۹. مؤسسه تحقیقات تدبیر اقتصاد، فساد مالی و اقتصادی (ریشه‌ها، پیامدها، پیشگیری و مقابله)، ج ۱، صص ۲۹-۲۵
10. Abed, George T., & Sanjeev Gupta (2002). *The Economics of Corruption: An Overview*, IMF, pp.270-294
11. Altunas, Y., & Thornton, J. (2012). *Fiscal Decentralisation and Governance*. *Public Finance Review*, 40(1), pp. 66-85.

12. Shleifer A., & Vishny R.W. (1993). "Corruption," NBER Working Papers 4372, National Bureau of Economic Research, Inc.
13. Arikian, G. (2004). Fiscal decentralization: a remedy for corruption? *International Tax and Public Finance* 11(2), pp. 175-195.
14. Bowles, R. (1997). Casual police corruption and the Economics of crime, *International Review of Law and Economics*, 17, 75-87.
15. Choi, J.P., & Marcel, T. (2002). Corruption and the shadow economy. CESifo Working Paper 633(2)
16. Davoodi, H., & Zou, H. (1999). Fiscal decentralization and economic growth: A cross-country study. *Journal of Urban Economics*, 43, pp. 244-257.
17. de Mello, L., & Barenstein, M. (2001) Fiscal Decentralization and Governance: A CrossCountry Analysis. International Monetary Fund Working Paper 01/71. Washington, D.C.
18. de Saran, J., & Olivier P. (1999). A moral economy of corruption in Africa? *The Journal of Modern African Studies*, 37, no.1:25.
19. Enikolopov, R., & Zhuravskaya, E. (2007) Decentralization and political institutions, *Journal of Public Economics*, 91, pp. 2261-2290.
20. Fisman, R., & Gatti, R. (2002) Decentralization and Corruption: Evidence Across Countries. *Journal of Public Economics*, 83, pp. 325-435.
21. Glaeser, Edward L., & Claudia G. (2004). Corruption and Reform: Introduction National Bureau of Economic Research Working Paper 10775
22. Gründler, K., & Potrafke, N. (2019). Corruption and Economic Growth: New Empirical Evidence, ifo Working Paper, *European Journal of Political Economy*, No.309, 1-35
23. Habib, M and Zurawicki, L. (2002). Corruption and Foreign Direct Investment. *Journal of International Business Studies*, 33(2): 291-307
24. Huther, J., & Shah, A. (1998). Applying a Simple Measure of Good Governance to the Debate on Fiscal Decentralization. World Bank Policy Research, Working Paper 1894, World Bank: Washington, DC
25. Huther. J and Shah. A. (2002). Applying a simple Measure of Good Governance to the debate on Fiscal Desentralization, World Bank Group, Washington, DC
26. Iimi, A. (2005). Decentralization and economic growth revisited: An empirical note, *Journal of Urban Economics*, 57, 449-461.
27. Isaac, E., & Francis T. L. (1999) "Bureaucratic Corruption and Endogenous Economic Growth," *Journal of Political Economy*, vol. 107, number 6, part 2, pp. 280-315.
28. Krueger. A. (1974). The Political Economy of the Rent-Seeking Society, *American Economic Review*, 291-303
29. Kyria, A. P., & Roca-Sagales, O. (2011). Fiscal Decentralization and Government Quality in the OECD, *Economics Letters*, 111, 191-193.

30. Lambsdorff, J., G. (1999). Corruption in international research- a review, Transparency International Working Paper, Berlin. www.Transparency.de [10.11.00], 1999a
31. Lederman, D., Loayza, N., & Soares, R. (2005). Accountability and corruption: political institutions matter, *Economics and Politics*, 17(1), 1-35.
32. Lessman, C., & Markwardt, G. (2010). One Size Fits All? Decentralization, Corruption and the Monitoring of Bureaucrats. CESifo 2662.
33. Lucas, Robert E. (1988). On the Mechanics of Economic Development, *Journal of Monetary Economics*, 22, pp.42-58.
34. Mankiw, G.N., Romer, D., & Weil, D.N. (1992). A Contribution to the Empirics of Economic Growth. *Quarterly Journal of Economics*, 107: 407-37.
35. Martinez, V. J., & Robert M.M. (2003). Fiscal decentralization and economic growth. *World Development* 31, no.9:1597
36. Mauro, P. (1995). Corruption and Growth. *The Quarterly Journal of Economics*. August 110.681-712
37. Mauro, P. (1997). The Effects of Corruption on Growth, Investment and Government Expenditure: A Cross-Country Analysis. In Kimberly and Elliot editor. *Corruption in the Global Economy* (Washington Institute for International Economics)
38. Nupia, O. (2007). Decentralisation, Corruption, and Political Accountability in Developing Countries. Universitat Pompeu Fabra Working Paper.
39. Paldam, M. (1999). Corruption and religion. Adding to the economic model, Department of Economics, University of Aarhus, unpublished mimeo
40. Paldam, M. (1999). The big pattern of Corruption: Economics, Culture and the seesaw dynamics, working paper No. 1999-11, Department of Economics, University of Aarhus.
41. Posner, Richard.A. (1975). The Social Costs of monopoly and Regulation, *Journal of Political Economy*, Vol.83.No.4, 807-827
42. Rama, Martin, (1993). Rent Seeking and Economic growth: A Theoretical Model and some empirical evidence, *Journal of Development Economic*, Vol.42, 36-50
43. Romer, Paul M. (1990). Endogenous Technological Change, *Journal of Political Economy*, 96, S71 {S102.
44. Rondinelli, D. (1981). Government decentralization in comparative perspective: Theory and practice in developing countries. *International Review of Administrative Sciences* 47, no.2:133-145
45. Rose – Ackerman, Rose (1978). Corruption. A Study in Political Economy. *American Political Science Review*, Vol.61, no.2, 417-427

46. Schneider, F. (2002). Size and Measurement of the Informal Economy in 110 Countries, Around the World, NBER Working Paper 7765
47. Shleifer, Andrei and Robert W. Vishny (1993). Corruption. The Quarterly Journal of Economic 108, no.3:599
48. Shleifer, Andrei and Vishny, Robert W. (1993). Corruption.” Quarterly Journal of Economics, 108(3), pp. 599-617.
49. Shon Jongmin & Yoon Kyoungh Cho, (2019), Fiscal Decentralization and Government Corruption: Evidence from U.S. States, Public Integrity Journal, Volume 22, 2020 - Issue 2, Pages 187-204
50. Solow, R. (1956). A contribution to the theory of economic growth. The Quarterly Journal of Economics, 70, pp.65-94
51. Thießen, U. (2003) Fiscal Decentralization and Economic Growth in High-Income OECD Countries, Fiscal Studies, 24, pp. 237–274.
52. Thornton, J. (2007) ‘Fiscal Decentralization and Economic Growth Reconsidered, Journal of Urban Economics, 61, pp. 64-70.
53. Transparency International (2004). Corruption Perception Index 2004, www.Transparency.de/index.html
54. Transparency International (2007). Corruption Perception Index 2007, www.Transparency.de/index.html
55. Tullock, Gordon (1967). The Welfare costs of Tariffs, Monopolies and Thefts, western Economic Journal, pp.224-232
56. Waller, Christopher J., Thierry Verdier, and Roy Gardner (2018). Corruption: Top down or bottom up? Economic Inquiry , Vol 40, no.4: 688

Decentralization, Corruption and Economic Growth (Case Study: Oil Exporting Countries)

Vahid Shaghaghi Shahri

Ph.D. in Economics, Assistant Professor in Economics, Kharazmi University,
vahidshaghaghi@yahoo.com

Received: 2020/09/19 Accepted: 2021/02/23

Abstract

While most of the studies have looked at the relationship between decentralization and corruption, or between decentralization and growth, or between corruption and growth, few have looked at the joint relationship between the three.

This article represents a contribution to the literature on the relationship between decentralization, corruption and economic growth. This relationship is analyzed both theoretically and empirically by using panel data techniques for the selected oil exporting countries during 1998-2017. By regarding the countries' dependence on oil export, these countries have a concentrated structure and are rife with corruption.

The result for fixed effects regressions indicate that corruption does indeed have a negative effect on growth as the estimated coefficients for control of corruption variable in the various growth models are positive by 0.74, 0.53, 0.62.

The decentralization indicators have a significant and positive effect on economic growth by 0.43, 0.13 and 0.18. Finally, the results suggest that the negative effect of corruption on economic growth is reduced by decentralization, as the interaction term coefficient is positive for two of the regressions undertaken.

JEL Classification: H72, H77, D73, O40

Keywords: Decentralization, Corruption, Economic growth, Oil exporting countries, Panel data technique